


کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی


خطی

۱۶۳۸۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 جمهوری اسلامی ایران شماره ثبت کتاب
کتاب		
مؤلف		
مترجم		
شماره قفسه	۱۶۳۸۳	۴۷۵۴۸

پس سواد انوار که از نور بهر سیرت برادر روز فضاست چو از انوار مستند که گاه بپایند
 در که خود در مانند جبران چون انجمن است از حق روز غش و در که کن و صفت بر در آفتاب
 و یک شرب کل نفس ذاعیت الموت و احشید اند اگر در فضا است
 را اند و در حق بنابر رسد در نهانیت دل و عین که از دست ندهد یک نفر خوب ن در آن
 پس بهر سیرت انجمن است از حال یکدیگر گاه در ترن و در زبان بپایند در نهانیت انوار و اطمینان
 به اعتبار از سکوت شربت ناگوار و در حال است مستند بر فضا و در زبان مستند بر فضا است چون
 ما اعشار از کس است شربین نالوار در حال

در حق بنابر رسد در نهانیت دل و عین که از دست ندهد یک نفر خوب ن در آن
 پس بهر سیرت انجمن است از حال یکدیگر گاه در ترن و در زبان بپایند در نهانیت انوار و اطمینان
 به اعتبار از سکوت شربت ناگوار و در حال است مستند بر فضا و در زبان مستند بر فضا است چون
 ما اعشار از کس است شربین نالوار در حال

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 جمهوری اسلامی ایران شماره ثبت کتاب
کتاب		
مؤلف		
مترجم		
شماره قفسه	۱۶۳۸۳	۴۷۵۴۸

پس سواد انوار که از نور بهر سیرت برادر روز فضاست چو از انوار مستند که گاه بپایند
 در که خود در مانند جبران چون انجمن است از حق روز غش و در که کن و صفت بر در آفتاب
 و یک شرب کل نفس ذاعیت الموت و احشید اند اگر در فضا است
 را اند و در حق بنابر رسد در نهانیت دل و عین که از دست ندهد یک نفر خوب ن در آن
 پس بهر سیرت انجمن است از حال یکدیگر گاه در ترن و در زبان بپایند در نهانیت انوار و اطمینان
 به اعتبار از سکوت شربت ناگوار و در حال است مستند بر فضا و در زبان مستند بر فضا است چون
 ما اعشار از کس است شربین نالوار در حال

در حق بنابر رسد در نهانیت دل و عین که از دست ندهد یک نفر خوب ن در آن
 پس بهر سیرت انجمن است از حال یکدیگر گاه در ترن و در زبان بپایند در نهانیت انوار و اطمینان
 به اعتبار از سکوت شربت ناگوار و در حال است مستند بر فضا و در زبان مستند بر فضا است چون
 ما اعشار از کس است شربین نالوار در حال

17385

5. VDEA

[illegible]

بدرقصران

ॐ नमो भगवते वासुदेवाय

The image shows a single page from an old manuscript. The paper is aged and yellowed, with some visible staining and wear. The text is written in a dense, cursive Arabic script, likely Ottoman Turkish. The ink is dark, and the handwriting is somewhat slanted and compact. There are several lines of text, some of which appear to be crossed out or heavily corrected. The overall appearance is that of a historical document, possibly a letter or a page from a book.

1948
2.10.48

چهار است از درویشان است که گویند در عالم معانی مسال ان حجب خود الجلال بکمال سرعت و استعمال در فرخنده
شمال نظر شغفت و اقبال بوسه آن قدر سراسر احوال گردانید که نیکان بد و خست قرض و استیسان
تجلی از رخسار خود و حجب را که از عالم فوق مقامات متعالیه و در غلبه اجزات و مواظبت اجزات
تفصیل موانع و حجابات بی کار قیامت برداشت و این سه راه را نیز تحت الالاف نمود شرح احادیث مرتب و در
وفات که به شرح الحان طعن و تخریم و مضعف و خلاص و عام منفرد است و چون بهشت نشانی
معانی و در شان طلال این حیران و فندان اسباب و اعوان و دو فرصت بنا بران یکمال سرعت و اقبال
طریق طریق بر طریق بر قائم عقاب قیامت بعد بر صاحب و مصطفی است باید باید استعدا از مناب الله
من انوار الیه استراحتی بفرقی بقیاس از تفهیم اصلاح فرم کمالان دور و در نظر غیب و بیان مستور دار و
و نیز در فرض مقام و شغف ان الفاظ را در مؤلف غریب بکنند و رنگ تیره خستند از راه کشته
و با خودی نماید و در خودی و خواب و خواب و عفت سانه و در زین و در مفرق و طراوش نماید و در راه
بهرت است و بعضی شام و از انوار علیون مشغول **عین حق** در تقدیم کمال چهار نوع عطف **عین حق**
در رشتن از شدت سکوت موت و او را از غمزه و احوال بر سرخ و در هنگام خست **عین حق** در ذکر اعمال و بافت
آب و در هلاکت قیصر روح و شدت و تیر و شورش و جلال از رواج و فضا و بهش تقویت و خست و خلاصی در این
عالم ساجده و در بند **عین حق** در ذکر اول عقبات و هول و خروج خلاصان و محراب پر خست
و نامست و دانش از **عین حق** نجات از آن عقبر حیرت و ملاست **عین حق** در اجزای احوال عقبر ویم

10/10/1917

گوید برادر گرامس و شما و ملا اشیا خدا را بکارهاست و بفرست و شما محمد مصطفی هم پیغمبر
آنقرن نداشت و دین من را سلاست خدا و غرض از قبول نمیکند که این من قرانت
در شاه و مصدق جمیع کتابهاست پس امام را بر حق و لایک که شهادت پس از آن را ملک
گویند است گفتی و تو فیض یافتی خدا را و این کرده بدین حق نظر کن جانیا با حق
چون نظر کند پس در این آیه که گوید انما الله و ان فیہ یاجعون پس گوید این که ان
نذر استم بهر در کار عالم فرماید و او را در هر در است خدا باشد و این کار تو نیست
و اسم این آیه را از جمله عزایان یافتی و لذت خود را که میروی با بیکر جانیه بر آگاه دار
پسند از این شب دور و تصور از بر او می باشد و داده نماید و بر هر در و از هر باب سعادت
گشاید و ملک کند از هر در است خدا را قیامت برپا شود و اهل بافت نتوان شد بخواب
این در و مادر و فرزند از نیست گشته اید و در دل و اول و آخر با نذر هیچ طایفه در
کوه را در ملاحظت دارد و هر آن که بخوابد و او را در از نسیم نغمه ایست بهر در او
بگشاید و بر نغمه شاد قیامت و بهر سر شاد قیامت و نغمه ای که از دل نغمه و نغمه
این خبر در محل دیگر خدا را که و در هیچ خدایت دیگر از حق باقر این پیغمبر ص را ولایت
فرمود در احوال تبصره فی احوال الله ان الله به خدا فعال تو نیست
و در آن روز و در حق صایق میفرماید چون جمیع با عیبه و نسیان را در حق می شود

تعداد هزاران میفروید و اندک اندک مردم مومنان و حجتست از او در غرضها بر پشت سما کن اند
و خدا انرا از هر نفس فرموده و بر دید بزرگات اهل بیت خود از اهل دنیا و با امر الهی
بر او است و گفته اند از پشت جافرب زند که بر او ن قهر یافتند از هر چه بد و بد و از انوقت
سبح باطلها و بر نعمها از سندنس و استیفاء ^{بخت} پس از آن در واقع طایفه بر انرا سوار و چهار
بهشتی در بر و انجا از نور و اید خوش و در سر هر نو از ان صفیعت مانند و از انظر از نزدیک
پس در عصر نبوت در آینه و امر میکند جبرئیل ملا ملائکه الهان و این انرا استقبال
گنبد و ملائکه که آسمان را دیگر انرا است یعت نمایند پس بجای انچه از خود فرود
آیند و از انجا هر یک میرود و دیار خود متوجه شوند و با آن خود را ببارت گنبد و با این ان ملک
چند نشسته و ناوشیرماله از اینان مستور دارند و غمگین نشوند و نزد قبر بر خود آیند
و زیارت کنند چون اهل دنیا از دنیا رفته و عید آفاق و بخواه انرا سر خفند و جبرئیل زیارت
رجل زند و روحها نیز بآنان رغبته خود برگردند پس سرور از اهل جملگی است
و گفته اند انقدر که در آینه خود در حال موشن است حال کاقران چگونه دست فرود
بزنای اینان ملعونست در زیر خاک و در واقع خیرش اینان معذبت در لادک
بر حوت تا فاکم آن محرم ظهور کند پس ان از طریق خیره ثواب ابدان ملعون و در میکنند
در رجعت و گزین انرا است میزشتد انکاه ^{بخت} میبرد و ابد آگاه معذب خواهد بود

والجواب بالبرهان

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible]

تكون ينبغي ان يتم بحسب ما ذكره في هذا الموضع ان نعتهم انهم
واذا انجل خط قرآن وكثر تلاوت كان باقوا بعد وازدب وان كان
جنازة في تقصير فربما تمت بعض من طوبى بعض من طوبى
مكرات موت وعقوبات قد ينما على النصوص من مكرات موت
وعقوبات وقرآن الاربعة وملك وولن زعيات وقبائله والهم
وسلست فوجدت في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
محضت باقرم سبعة ما يدور من غير انما من كلات من ضامن
الماء في الدنيا في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
يس بعد وقرآن في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
الشامعين وقرآن في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
حيث ويا احكم الحاكمين وما سبب بعد وقرآن في كل باب من باب في كل باب
درجته بالقرآن في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
عزت الموت اللهم اعني على استكاث الموت اللهم اعني على
عز القبر اللهم اعني على اضيء القبر اللهم اعني على اضيء القبر
اللهم اعني على وحشة القبر اللهم اعني على اضيء القبر

فقد انما الله في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
العينين وقرآن في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
فقد انما الله في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
واضيء القبر اللهم اعني على استكاث الموت اللهم اعني على
عز القبر اللهم اعني على اضيء القبر اللهم اعني على اضيء القبر
اللهم اعني على وحشة القبر اللهم اعني على اضيء القبر
العينين وقرآن في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
فقد انما الله في كل باب من باب في كل باب من باب في كل باب
واضيء القبر اللهم اعني على استكاث الموت اللهم اعني على
عز القبر اللهم اعني على اضيء القبر اللهم اعني على اضيء القبر
اللهم اعني على وحشة القبر اللهم اعني على اضيء القبر

مراقاتها ولا على من دعا لرسد الشئ في حيلتها فقلت من انما في الدنيا
في هذه الاقرب من ووجد حفاء الالهون في الدنيا ووجد في
الجنة غير انما في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
حيث انما في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
كيف انما في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
الحيات في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
انما في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
اذ انما في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا

نساكين على الامان في قلوبنا وقلوبنا في الدنيا ووجد في الدنيا
فلمحجب المصارع ووجد في حمار قوم كاتبا ما هو في الدنيا ووجد في الدنيا
اذ انما في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
الملاحية ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
للعطش شفاعته ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
سواء في الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
اهل الدنيا ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا
وسلطانة ووجد في الدنيا ووجد في الدنيا

170

[illegible]

مسوا وکتابخانه

کانهم الی نصب یفوضون خاشعنه ابعثناهم ثم نزعهم ذلک
 ذلک الیوم الذی کان فایوعدون پس واکذا را محمد این را که
 بموعظه متنبه و منتفع نمی شوند در راه و لعب باشند از روز و عه که از قبو
 بیرون آیند و حساب جزا خود در تعبیل دیدار خود ترسان و
 خائف و لرزیده باشند ایشان الا اینست روز و عه و بر وایت
 شیخ مفید عید را نگه بشومی غفلت در دنیا عمل بنار حجت و عباد
 در کوکب کشیده از روز حشر می شود و چنانکه در حدیث وارد است
 که در آنوقت بعد از فراوش و از روز کند که کاشانی با کور بر میگشت
 پس بهر از این حال شقاوت ماک باز داشته میشود تا بعد از آن حاتم
 قنار چه حکم فرماید و بر وایتی از شدت حیرت و شور نشو و شر
 تاسیج مسالیک قدیم در لوح و لیل قلم در لب قیر حیران میماند
 حضرت حقی صلوات الله علیه از امیر المؤمنین صلوات الله علیه
 ذکر فرمود که نیست احدی که بیرون آید از قبر مگر آنکه در ملک
 در بار خوار و چسبیده گویند اجابت کن امری و در کار خود و بسو
 حساب و از رسول خاتم منقول است که محشر میشوند عیان و خشنه

بجز آنکه هرگاه بخواند بعد از آن حق تعالی با اختیار احدی تحقیق نمیتواند بدست مفسر
باز شود و لازم می آید حق تعالی باطل را از میان بردارد و در هرگاه که محقق بدست گزیده
ظاهر شود و جزا است و آنکه بر او مرتب خواهد شد پس خدا بر این مقاصد عظیم و در دنیا
بندگان ضعیف شادان میشود و قوت در دفع شر آن مقصد دارد بانه اگر در دنیا
و بنگرند لازم می آید بر حق تعالی قبیح و بر هر مسیح و بیس قرینه و خانه نایبیت و اگر
اطلاع یافت بر سنج آن تلاطم و جهل را بجز خواهد داشت و هر که با حق تعالی باطنی
منافذ اند با کمال نظر و مشاهدات آفاق و انفس هم وجود صانع ظاهر میشود و صانع
دانا توانا ظاهر میشود و ظهور معجزات بسیار از محمد مصطفی ص بر طبق دعوت نبوت
متواتر است مثل شوق قمر و برادرانند آفتاب و نیکو آمو دوسو سار و کرک و شتر
خانه سوم بر پای و اجابت نباتات و جمادات بلکه طاعت جمیع ذرات کائنات و جوار
انگیختگی آینه و اگر کسی که نشویند و جزو از آنها بر حق تعالی آید و بنسبت مثل علم
بر اهل بیت رسالت و ظهور از معصومان صلوات الله علیه علیهم اجمعین با هر وقت
به حق تعالی و علیه نیز است و نیز عیسی و طاهره و فرکان در کتب مکتوبه پیش از
ظهور ایشان دیده شده و بدست صوفیه و غیر آنها و بیشتر احوال ظهور
بجاسته و با وجود کثرت معانی و معارفان دیگر بخلاف هیچ امری که در کتب

در این کتاب

قرآنت و همچنین و نیز از معجزات شتعل است و بعضی آنها بر عوام
ام واضح است و بعضی از مخفیست و بنا بر نبوت اصل نبوت و بعقل بان است شده
بعضی نشان نبوت غیر انتخاب و مجال خلاف نیست نبوت انحضرت پیش از محقق
ام میان و میباید شود و با وجود پیغمبر با کمال است نبوت چون اسب نبوت بجا است
شهر هر چه بر حق تعالی در اصول و فروع بعینه فرموده حق تعالی است و بقیان ثابت و استقامت
عادات از عینیت حاصل میشود و استقامت و معاد خصوصیات صفات جمال و کمال قدرت
و علم و ادب و کمال و در سبب و بصیرت الهی و ابد و دوست و صفات جلال و تجوید
و فقر و ضد و مثل و ترکیب و غیر اینها است و دیگر آنکه است و مثل نبوت و اعظم کمال
و رسول با نبوت چنانکه نبض خدا و رسول و امام سابق ثابت میشود و همچنین مثل
نبوت معجزات و عصمت و دلیل عقل هم ثابت میشود پس در این خصوص
بر قدر فکر در حالات و صفات و احوالات و تشیع طرق تصدیق امامت و اهل بیت
صلوات بر سر نبوت و معرفت و ولایت ایشان را بر حق تعالی مقررین و مسلمات انبیاء
اولو الامر ثابت میشود و استقامت و استقامت و استقامت و استقامت و استقامت
بیت رسالت فرموده اند در هیچ امری که در کتب مکتوبه و در هر مرتبه سفارش

در این کتاب

و بصیرت در باب علم این اهل طالب است از همه امور بیشتر باشد و بدوایت موافق
و منافق رسول خدا ص میفرماید حق تعالی را هیچ بار بسور معراج نبرد و نیکو شود
هر که اگر خود یا غیر خود را از من سلام برساند و بگوید رسالت تو را امام و پیشوای من است
و از اهل طاعت حج پس کمالا داد و اعلا این گرامت و حضرت امام ع اذ آنحضرت
فرموده اند که اهل بیت را است داد این سبعون شود و فرمود یا علی او
ترا هست داد و در زیارت با پیغمبران خواهد بود در درجه ایشان و اول
چیز در حدیث قیامت سؤال میشود محبت اهل بیت خواهد بود و اجاب این
معجزات تراست در بعضی آنها این تتمه است پس اگر اقرار بولایت کرد
و بر احوال مرده نماز و غیر آن قبول شود و الا هیچ عمل او را قبول نمیکند و موافق
کلام الله مطابق اتحادیت متواتر بطریق سنی و شیعه با جماع و اگر کسی بیان
کلی و مقام کعبه انقدر عبادت کند که از همه بکند و صد پست بوسیده شود
و علی علیه السلام و در هرگاه که اقرار بولایت و محبت اهل بیت نماید و شهادت بدهد
قایده است و هرگاه که ثواب بر حق است پس هر که اهل بیت میکند اگر عرض داد خدا
حق است بخل بر اهل بیت و اگر عقوبت خدا را حق میداند چه از عصبیت میت
و اگر کسی حق است جرات دینور و اگر عرض کند لا یقین دارم که چه میکند و اگر کسی

یقین میبازد

یقین میداند عجب جزا دارد و اگر چون شیطان است خائف میشود و چون فتنه ساز
میشود اطمینان چرا که دارد و در این است عجب که کسی یقین دارد که هر چه
و حساب چرا که میکند دانه اولی جزا گرفت شک میدارد و در چند صحن از
حضرت امیر المؤمنین ع در فرموده اند که هر کس از اهل بیت ایمان لایق پیدا نماید از این بزرگوار
بگذشت چنانچه بر تفریض شده و بدوید و هر چه رسید میرسد و در صحیح دیگر این نبوده
نیست و بداند خداست ضا و مانع و رسول خدا ص از جبرئیل در تفسیر یقین این
نباید که فرموده و خدا چنان عبادت کنی که گواهی داد از من پس اگر نماز کنی و او را
رسند خدا او را رسد و در سو و با اید هیچ علی از یقین در دست نیست و نه
محبت از حسن خلق و نه در هر کس که حرام و خوف الله پس و قدرت دان که هر
نموده و فرموده و یقین میباید در صحیح حضرت امام رضا ع از حضرت امام محمد تقی ع
نقل میفرماید که است که میان خلق هیچ چیز کمتر از یقین نیست پس هر چه رسد و نه
یقین فرمود و توکل و تسلیم خدا در منافقان خدا و تقوی پس که بسور خدا در حسن
حضرت صادق ع در حدیثی فرمود که هر کسی و وجود خدا از هیچ چیز
در رشتن از فضل و سابقه ص و قیامت بر داده و هر که حق تعالی
و اعظم و اقدم خلائی امان و از او شوق و کمال و سبب شگفتی بسو عالم

نور و قریب برادر کار عالم چنانکه دلالت میکند صحیح می باشد این عذاب از بدین
از حضرت امام محمد باقر ع فرمود رسول خدا ص بر خود بکار و طاعت و بعضی از شما بر سید
کندند که گفتند مؤمنان فرمود صحت حقیقت ایمان شما گفتند و بعضی
حق تعالی و تسلیم بر خدا و تقوی و ایستادگی بر خود و طاعت خداوند حکیم و توبه
و از انکه گفتند بر این سخن ایمان باشد انگاه فرمود هر کاه است میگوید پس بنام
باشم و سید را از اجناس کن خواهم شد و جمع کنید چیزی را نخواهم خورد
و نیز سید از خدا و رسول و اولا و احوال خواهم شد و محشور خواهم شد بدانکه اگر
مؤمن را از سعی و رسیدن بر این درجه در دار تکلیف و بنابر اساس او بر انتقال
و امتیاز است و الا پس مؤمنان مثل خود در عذاب دنیا و عقاب عقابت چنانکه
حضرت امیر المؤمنین ع میفرماید و در حقیقت بد او و در تواراده سبکی و سن
اراده نمیشود مگر بخوابش و اراده از پس اگر سقا و در آخر اراده از پیشانی
انچه را تو باشد عطا کنم و الا تو را به تعب و اندام در سر و خودت و آخر
نیشود مگر مرا در و فرمود هر که را فرزند بقت و در راست و در صحیح حضرت
سلطان ع میفرماید و در آخر بخدا اکتفا و بقضا و در آخر بقت و در آخر
صبر و استقامت از حق تعالی در آنچه خواهد بود و هیچ بنده را نیشود
از خدا و اقامه

از خدا و آنچه خواهد بود و نخواهد بود و آنچه خواهد بود و آنچه خواهد بود
شد و هر چه بکنیم از بنده مؤمن هر چه را که خواهد بود است پس باید از این
من و ما بر شود بر پدر من و در آن که بنشیند بر نعلین من تا بنویسم او را یا خدا را
صدیقان نزد خودم و در صحیح فرمود عجب دارم از شما و خدا را و خدا را
گفتند خبر است اگر بفرستند باره باره شود و اگر ما که شرق و مغرب کرد و فرمود
علامت مؤمن را از این است در آنچه با و میرسد انداز و فرمود خدا را و خدا را
زیاده میکند و خشنای که از افضا جا رس میشود و اگرش بر طرف میشود و فرمود
و بیغیر از آن فرمود که کاش خود بگوید چو کسی مؤمن باشد که از قسرت هار
برود کار خود بخشم آید و بمنزله خود را حقیر نشاند و حال اینکه اینها از جانب خدا را
او فرموده و حق همانم بر اینست که خاطرش بغیر خدا و خوشتر از خدا را بدو
دعا کند مستجاب شود و فرمود که شیطان گفت مرا در هیچ کس راه و صبر
خست و نمر در قسرت شد که در دست سوسل و سوسل شود و در هر دو
و کسی در غیبت و در راه خدا بسیار کند و کسی در پسند بر سر او و مؤمنش آنچه
کار او فرمودند و کسی در صحتی جزع نماید و کسی را از این باشد بقت
و غم روز نشود در رسول خدا ص میفرماید و بقت و از این راه گرفته اند پس آنچه را

تو قدر شده بنویسد هر چند ضعیف باشی و آنچه از ملائکه قدر شده دفع از بر تو میشود
نمود و هر چه از تو خفته شده قطع اسید نماید چه با حق و در هر که را ضرایب و خوشحال
و جشتش و در شایسته و بنابر معنی از آن حضرت منقول است و خدا فرمود که هر
رضا بقضا و ایمان بر تقدیر من ندارد پس خدا را و بگوید طلب نماید و فرمود و حق تعالی
میفرماید و اگر آدم اطاعت نمیداد هر چه میگفت و تعلیم هر کس صلاح خود را و حق تعالی
بدانم و فرمود و از درستی بنشین بقضا و الهی فافع شود و در خدا تافتی ترین دم
باشی بر سید که است شار خدا فرمود چنانکه یک روز و یک شام و جنب امیر المؤمنین
فرمود هر که را فرزند و ملائکه از دنیا او را کفایت و هر که را فرزند و ملائکه او را
کافیت تمام دنیا او را کفایت و در صحیح کتب یقین که گذشت از حضرت امام رضا
که مراد از اینست هر کس را غافل باشد از جانب خدا مستحق کند خود را و در
قضا و او تبتیل نماید در زرقش و در خطبه و دعاست و هر که را از این
از در خود و این کند شود و خدا او صبر نماید حق تعالی هیچ حسد او را قبول نکند و حق
کند خدا و غضبنا که بر او باشد و فرمود هر که صبح کند عکس بر دنیا صبح کرده باشد خشت
بر در کار خود او فرمود در حق تعالی نصف معیشت است و بهترین روز
است که کفایت باشد و فرمود که حق تعالی میفرماید اگر آدم نیز از آن فرزند تو
منزه و از در

شده شدیم آیا اگر کرده تا فرستد و نیز به تب خواهد از انقضای و ایمان بر خود گرفت
باید کسی که بخدا اقبالش ضعیف باشد و عیبت کرد و خدا او را آفرید و در صم
شیر و در کاف و طغیان و با نداشت و در داد پس بداند که در حالت چهارم نیز خواهد داد
و او با نداشت اینها چهارم بزرگ و عاقل و قادر باشد بر کسب کار و بر خود تنگ و بزرگ باشد
بر در کار خود و حقوق خدا را در مال خود انکار کرد پس چنان بنده بدین دست
از فرزند و حضرت عاقل ع میفرماید که من ضامنم بر هر کسی که میانم و در کند که محتاج
نکرد و از این رضایت قناعت و کما و در قناعت آن برادر از حضرت بسیار است
و بناسبت مقام همین قدر قناعت خود بعلت جماعه انام و خلا و خطای ایا م نفعی
در خصوص قناعت کی که اتم از قناعت کیفی است در موقف صوم و ذکر میباشد
انشاء الله و باید دانست که اتم علامات اتم مقامات رفاه و قناعت منکر است که گناه
و انما موجب زیاد است و ترک آن گناه مستم در دنیا و عقبی است و حرام و نعمت
و قبول حضرت عاقل ع هر که توفیق چهار چیز یافت دعا و استغفار و روزه و صبر از
چهار چیز نام و مگر در اجابت آتش از روی عفو و نعت و در بر فرمودت چهار است
و انما هیچ فرغ نمیرسد از دعا و اتم شکر و استغفار و نماز و معصیت و شکر و نعت
و از رسول خدا ص ذکر فرموده و احاطم جو لانه شکر ثواب روزه دارد و س لم شکر

مردوشی بخشد که اهل عصمت او با حقه کرامتی که بیکباران بیشتر باشد از دنیا
و آنچه آفتاب بر او تابند از رهنما و از حق تعالی باوندند بلکه از سلسله اکرم که
و عوالت نور است و اولاد بکر از سلسله که در بهشت بهر حرفه تعلیم گرفته اند
و از برای این سبب آنها بخند از نصرتها و غلظت نماید و از سیدگان میزبان عالمیت
از شاگردان ال محمد و هر که در دنیا و از جهل بر آگاه و عبادت و سواد و ادراک
قبول نموده و بکوشش هوش شنیده امر و زینوار و چنگ زندان از ظلمت و حشر
قیامت نجات یافته به بهشت رسید و بحدیث حضرت کاظم عم ندارد
و از کفایت یقینان ال محمد و جلال مانده و در دنیا بیدار حقیق و ایمان خود را
مقتضا است که می کند اخا بهر عملی از او افتد کرده پس شفاعت کند و فیما
مشاره و ان و شکر از ان شکر و از ان شکر از ان قیامت و هر چه مرید و از ان است
و از ان قیامت مراد از ان علیا از رسول خدا ص علیه السلام و از ان خلق
که است بانشاء و شکر از ان خود است قدر علم و از ان شکر از ان و از ان شکر از ان
خود خلعت دهند و همچنین ندارد و عوض خلعتها و بختند سقا کنند
این باب از حدیث بسیار است و بحدیث حضرت صادق و کاظم علیهما السلام می گذرد
از ان بهتر است از ان عابد و شکر از ان شکر از ان و از ان شکر از ان عابد

سید فضل

مثل فضل بدرست که حدیث دیگر از جهاد کنند اگر نگذارند از زیاده و منقول است
 در نزد رسول خدا ص مدکور شد شخصی بعد از آنکه از پیوستن به تعلیم و دیگر
 در روزی که در آن شب بنام از دست فرود و فضیلت آن را مثل فضیلت نماز است
 بر اکثری از شما و مجربین قدس علیه السلام گفتند از عبادات حد سال در روز یکروزه
 و شب در قیام یکماه و مجربین خود طایفه علم را شفاعتی است مثل شفاعت ائمه و خود
 طایفه علما و نیز از قیامت زیاد آید و در آنکه در روز و شب و صبح و غایت حلق و در روز
 قیامت طایفه شفاعت میکنند اول پیغمبر از دویم علمای سیم نمودار
 پس علمای چهارم و رسالت و زیارت مجاورت و تقبیل عینات خاندان نبوت و ائمه
 و عزت و معرفت و اخلاص علی الخصوص سرخ و در شش کلمه و چشیدن زهر غایت و در روز
 بطول کتب هزار دستور از این امور مخصوص ملازم و مشورت پسند است صحیح
 امام علی علیه السلام هر یک که به تحقیق هر نام را بعد از آنکه در هر یک از اینها
 بدرستی که از تنه و فایده هر یک را در دست قیامت پس از آنکه در هر یک از اینها
 بار غیبت و معرفت شفع و او خواهند در روز قیامت و در آنکه در هر یک از اینها
 در هر شش عظمت و صلاح بر برگزیده است که هر یک را در روز خود را در روز قیامت
 عمل کنند باو آنچه خواهد و در صبح و غایت حلق و در روز قیامت

از رسول خدا ص از ثواب زیارت او فرمود هر که زیارت کند مرا باید قبول و باید از قبول
باقول و در حیات مایهات ماحق و لازم گفت بر من که بخات دهم اولاد در روز قیامت
و این بابو میر از حضرت امام حسین ص روایت نمود که فرمود حق و نایب است
بر من که تا بر خود لا زیارت کنم در روز قیامت و سخات دهم اولاد و بحدی حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود من شدم برابر او که روز قیامت خلاص کنم اولاد
از هر و شایان روز تا انکه بر من اولاد بخود بدد و هر خودم در بیست و حدیث
بسیار صحیح برابر ایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت مجاهد و زینب خانم
صلوات الله علیهم فرمودند که جبرئیل م ا گفت که ملائکه اذن الله تبارک و اولاد
بهر از هر بار عرضی الهی نشان میکنند تا روز قیامت معروف بشد و نوافل
نورانی دیدار اهل بحشر لا خیر کند و گویا می بینم تو را با محمد که بخشدند
و من و میکائیل و روحانیت تو و علی شنید و را و یا با انقدر ملائکه باشد که عدد
انها را بغیر از خلا که نشانند و ما بگویم میان اهل بحشر و هر که از ایشان
بروز است از احوال و شد تمام از روز بخاتش دهم و در حدیث اخبر
تقریب نور ایشان جناب حضرت امام حسین علیه السلام گفته که زیارت من را که خوا
کرد با این بر آنکه کافر بود که گروهی از امت برابر برکت و احسان بمن روز

قیمت

قیامت جست و دیو و جادو و دست ایشان را خدایم گرفت از خدا را بد از تو زیانت خواهم داد
و زیانت حضرت امیر المؤمنین علی را زنده از این ضایع اقدس است و با فواید دیگر که در دنیا و آخرت
بیان نماید و از آنکه افضل خود را اعمال خود و قدرت مطلق صلوات الله علیه میفرماید و هر که
بزیارت آنحضرت رود بیاد بهر قدر محبت و عشق کرده باشد پس اگر چه راه برسد در هر قدر محبت
و در عمر و ثواب زیارت آنحضرت در دنیا و عقبه زیاده احدی حاصل است و زیارت سست است
حسین علی و زیارات متواتره آنکه بهتر از هیچ است با سغفرت آنکه زیاده و در قدرت مطلق علیه
که نوزده حج کرده بود و نوزده محو فرمود که یکبار یکبار با در بیست تمام باشد و این یکبار زیارت
حضرت امام حسین علی و خواهر و مادر که در کربلا بر رسیدیم و چنین نوحه گفت که ایام کربلا
فدایم بیست حج و عمره را با شما حسین است گفت بلکه شما حسین را فرمود پس زیارت
کن آنرا در پنج خواب تراست یعنی ایزار از مسجد و بهر قدر حسرت و غم داشته و هر قدر
حک و ناله داشته و در بعضی زیارات مخصوص مثل عرفه یا هر روز زیارت و هزار عمره مقبول
و هزار نوحه و جگر میزد و از شنیدن در روز و در وقت غم و مصیبت و در زیارت و دعا
و دعا میخواند و در هیچ و در هیچ شد و در دنیا و آخرت او را دارد و در دنیا و آخرت
ایام و سگانه نامش را و این فرمود که زیارت قبر پس علی نزد خدا امیر و صالح است
و چون از او قبر بخونه و فرمود بیدار مقال از این راه و هر که که شنبه و پنج کند که خدا را

کند و چون پیش خود در خورشید او روشن است و دیده مانند کسی که مدینه از ابرایر
کسی بین و در آن هزارید صلوات بفرستید و تا جایی که در بهشت
بفرستید و برای ترغیب و تشویق و بهشت در صبح حضرت صادق
صلوات الله علیه که پنج علم روز جمعه بهتر صلوات نیست در صبح دیگر
فرستاده که نیست است و روز جمعه هزار بار و روز دوشنبه صد بار و روز روزه
صبح دیگر و بعضی که صلوات میان ظهر و عصر عمر را بفرستد صحیح است و بر
وایت دیگر اعتبار که است نماز و کیفیت صلوات با فضیلت بسیار در کتب
دعا مستور است و بعضی فضایل متعلق صلوات در میان مردم که
راست و فرستاده که خدا را که است و در محنتهاست که مخصوص میگرداند
بنده کائنات را با نجات و شرف و روز جمعه بسیار تسبیح و تحلیل و حمد
ثنا و صلوات بجا آورید و فرمود که بگوید بعد از هر روز جمعه چنانچه باری
الکریم و توبه الیه گفت تا آن که نشسته او آفرید که شود و خدا او را در بهشت
عمر آن که حفظ نماید و اگر کسی نماز نکرده باشد از او التماس بخند و بگوید
بفرستد حق را از دست برآید که روز جمعه تا حق و شادان بگوید
و خود در خورشید بکند و غسل جمعه لازم است یا واجب بفرستد یا حاکم است

مکات

مکات از سفر و غایت قلبی یک و گفته اند که آن و طهارت تا جایی که بگوید نور و طهارت
عسل از سفر خلق شود و استغفار نماید بر اوقات قیامت و جایی که بگوید نور و طهارت
دارد و هر روز از پیش توای دارد و خطا تا با و نرسد و جمع دیگر اگر بگوید خطا و شهادت
و بر بار سفر و روزی است و بعد از این روز جمعه توای هیچ دارد و حضرت که علم عیسوی را در
جمعه خدا را هزار بار بفرستد هر روز را ای خواهد عطا میگردانید پس هر که بعد از
عصر جمعه صد مرتبه سوره قدر بخواند همه آنهارا با عطا عطا و کرامت فرماید و اهل
طهارت جمعه بسیار در فضایل آن بشمار است تغییر سوره عبادت و محفلت
بر شان از جماعت رسول خدا صلی الله علیه و آله یا از خوشحالها یا از غمناکها در روز قیامت
آنهارا در پیشگاه خداوند دردمشتری خواهند گرفت که با باشد این را که در بهشت
بگوید پس در مسجد را در مسجد او و غیر مسجد را با او نراند هر نفس مسجد در مسجد است
حسنه و محو در مسجد و اگر ترا دعا و صلوات میفرستد با او هر مسجد نشسته خواهد
مگر نماز هر مسجد تراست مصلحت دیگر و سوال علم دین و فرمود مسجد خاندان
کار و بر و این فرمود هر که در مسجد حرف بزند یا کلامی بگوید یا عملی بکند یا عملی
صالح یا بد و خطئه نماید در مسجد همچنان حدیثی و ایت نبوی در روز و ایت دیگر
هر که در مسجد بخواند یا بنویسد یا بشنود یا بداند در روز و اندازد و اجابت مؤذن خواهد

و ایش است و هر که اجابت نماید و قیامت با و خبر کند و در ایت با قرع از جبریل
برسد از دست ترین بفرماید و خدا گفت مسجد را و اجابت بفرستد و اگر بگوید
داخل مسجد شود و در پیش پرده رود و در آنجا بفرستد و در وقت فرستاده صاحب
آن قبر فرمود خدا ترسم که در او را بسیار عباد مسجد و جانی چون قیامت شود خدا
فرماید باینکه این مکان من است و قبر ملائکه گویند سر او از دست عمار فرماید مسجد را بفرستد
گویند این مسجد بکافران من و از حضرت جبرئیل متفق است که هر که داخل مسجد
شود هم آن خدا است تا بگوید و در مسجد این نماز را در مؤمن و از نوین متفق است
و خانه هر که در این است مسجد است خوش حال کسی که در خانه خود طهارت
مراد خانه ام زیارت کند و زیارت شده لازم است که اگر امر دارد از این خود را
بشارت ده آنکه گمان مسجد را در آنجا بفرستد یا بفرستد و در قیامت و در پیشگاه
حضرت علق ۳ این را در پیش بسیار کند و آنها تا دعا او را مسجد و طهارت
خلاف را کند و هر بقعه روز قیامت بر آنرا کند و شهادت خواهد داد و فرمود
نماز مسجد از هر قبله از اهل دین مگر آنکه در جبر از اهل ایت و فرمود که
روزی با بر فرود شد که از او بر او فرستاده طهرت و جناب امیر المومنین
میفرماید نیست مسجد را در نماز در مسجد بفرستد یا مسجد

فرمود

فرمود هر که بنشیند در مسجد مؤذن را و فرمود که نماز مسجد جامع برابر خدا است و در مسجد
بنا و در آنجا مسجد و در پیشگاه نور و هر که قدم بسور مسجد بگذارد و در پیشگاه
خدا او را قیامت بر او آسان کند و او را بر خشت برساند و جویید و دیگر هر که
از اهلان ادراک مسجد عت نماید ترسنا شود بر او و بر او و بر او از آنکه در آنجا
در هر مسجد و هر قدم از رفتن و برگشتن و هر مسجد و هر مسجد و هر مسجد و هر مسجد
نماز در هر مسجد بهتر است از آنکه در هر سال و فرمود چون بنشیند سر بهشت شود
و ترسنا شود بر او و هر که از هر مسجد در حدیث ملائکه توایها را عظیم از جبریل
در گوشه و یا مدح الکریم یا دعا که در فضیلت جمعه و جماعت و شهادت خواهد نوشت
و حضرت با قرع میفرماید که هر که گفته است کمال حق و حضور حق را در حق
شده روز زبور را با مسجد و فیض نماز جماعت و حضرت علق ۳ فرمود که
سپید نماز را با جمعه در یاد پس با گمان خوب بفرستد و قول کنید شهادت او را
امادیت و اردو ثابت شده و یک نماز جماعت اقرار بر پرست و چهار نماز است
و قوع مسجد و قدر موم توای مضاعف میشود و موم و به رسید و طهرت و ایت
آن بیشتر نیست و حدیث نبویست که هر که نماز است من مانند صفها ملائکه
است در آسمان و فرمود که اگر ملائکه جبریل و گفت حق تعالی از اسلام میرسد و در

قاسم

م. ا. ح. ح. ح.

مطلبه و در دست راست مرشید از اند پس استحضارست در طلبه و درست جویان
مرزاند پس از جانب حق تعالی رسد که اسفل اعلى هم کردی در لوح نقشه کوید بر فایده که
کر کوید است که یخداوند افرید این دو امر را از شخصی فریاد تمام کرد بر حجت خود
پس بیارند لوح بصورت آید و از او پرسند که آیا قلم ثبت کرد و تو ای که حکم با و
صبر کردی کوید بر پروردگار خودی در من نقش کرد یا بر اسرافیل رسانید پس اسرافیل
آید برایشان بیاید و از دستورال فریاد که لوح بتو رسانید آنی قلم باور نماید از حرس طلبه
بلیخدا و در اصل جبرئیل رسانید که پس جبرئیل در طلبه و در بر پر اسرافیل بیاید
و فریاد کند که اسرافیل تمام و حرس بتو رسانید کوید بر پروردگار من و من جمیع معبران
رسانید و اینتر کسی که در در رسالت و حکمت و کتاب و علم و کلام تو خواندم حیدر شد
بن عبد الله بعد پس او که از این آدم نظر طالبان حضرت باشد و خدا او را در مرتبه
فریاد که است اهدا بالاسماء و سوال نماید که یا جبرئیل بتو رسانید این ^{کشی} بخود کردی
دم بسورت که از کتاب و علم و حکمت کوید بر پروردگار من رسانیدم و در در و در چهار
و دین رسانیدم و وقت بروم خطاب رسد که بر پروردگار تو که او مرا رسانید کوید پروردگار
تو که او مرا رسانید و نیکو کاران است و کوید تو که نیست پس ملائکه در طلبه و کوید بر شیخ
رسانست دهند پس استحضارست در طلبه و سوال کنند که محمد بنی رسانیدم رسانست

مخبر می شود و در هیچ وقت فرموده که خداوند عز و جل را در حق تعالی نمی بیند
مگر بسبب کثرت و درستی آن صریح است و در هیچ وقت فرموده که در سید بن طاووس
بقوم خود می گوید که تحقیق به اهل قرآن نیست که بر طاعت من باشند پس خود را حاکم
امید نگاه داشته اند و از این می خدایم بسوی آن چیز که خداوند عز و جل را در حق تعالی
در آنچه دوست دارند بسوی چیز که می خواهند و می جویند که بر توفیق باشند پس هر چه از ایشان
امید می برکشند بعد از آنچه از ایشان دارم بسوی چیز که در دست دارم مگر آنکه منم
کردم از آنچه از ایشان دارم بسوی چیز که در دست دارم و حضرت با وضو که است که
بنده حاجت طلبد و نزدیکی کند خداوند که هرگز نمی بیند بلکه در هر فریاد و حاجت
او و بر او اطمینان که مستوجب عطف و رحمان گردید آشکارا در کتاب خود
گناه دیگر است و محتاج به عفو نیست در دنیا و آخرت از اصل گناه بیشتر است
شیخ گمان در رفع تنوع آن و متکبر بود که ناموس و ستر عرض خود بشود که خدا را سزاوار
از کمال شفقت آن روز شده و معلوم است که بظاہر بنده میان مردم بیافزاید
آنرا چه بایست زیاده عطف و شفقت او میکرد و او را جبار در این باب
بسیار است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که گناه کند که خداوند بزرگوار
نیک نخواهد شد و در حدیث بنویسند حقون اینست و حضرت صادق علیه السلام میگوید

السلام

که امیدهای دارم برابر چیزی از این است که حق ما را بر دست میگردانند
طایفه کثرت از خود کنند و بدست کنند و در بین و فاسق که علمای کینه
کنند و بر او انگیزد و فرمود که چهار نفر اند که شریک نیستند که دخل در علم آنها
کرده کسی که بیرون انگیزد در این خصوص که آنچه گوید و آنچه با او گویند و کسی
که بر او با شتاب از اینک مردم او را در معرفت خدا می بیند و کسی که طبیعت
مؤمنش کند بر عدل و توفیق و کسی که شهود را که حجت عام شرف شود و خدا
همش دارد و در بعضی احادیث دیگر از این است دشمن اهل بیت را بدست و مال و
دارند که دین و کسی که از سر و صورت حضور بدگوئی کند و بداند که تو را کینه از کلاه
مخل کسی است که هرگز گناه کرده چنانکه در هر وقت و در اوقات خواست و اندیشه
در اجازت سلطان موقت تا که از امور عظیم بیدارند چنانکه حق تعالی میفرماید
فان احادیث الطامع الکبیر و آنچه که در نفس من الطامع افان الحسد هی الما
یعنی چون بیدار شدت عظم که وصف و خیال است نافه هر شده و بلیت است روی
که بیاید آمدن خواهد آمد که هر که فراموش نعم و نایاب شود و روح بر بنده در پیوست
توفیقانی کرده و دنیا را اختیار نمود و در حق جبار بود که تفسیر داشته باشد از است
شدن در برابر پروردگار خود در مقام حال که یقین یافت داشته و خدا را در هر چه بداند و شود او را

و دانداست چون یقین بخدا داشته و منع کرده نفس خود را از اموال و خواسته های غیر
پس بهشت جبار او و حضرت صادق علیه السلام فرمود که این دنیا را است که تا در شده
برگردد و در سبب از خود خدا که مکانات او بهشت است و حضرت کاظم علیه السلام میفرماید
که برتر از سبب هر چه که بر سر آید او صعب باشد و بعد از الله مبعوض میاید که نفس
میخواهد او را بگذارد و هر که خواهش از دود و لذت و دفع نفس از خواسته او و دوی
اوست و امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید که هرگز ترسم بر شما که از خود صحت متابعت میاید و طول
عمل برتر از او می کنید آخرت و حضرت باقر علیه السلام میفرماید که حق تعالی فرموده که عمل
و فعتش از خود که به بنده اختیار می کند و خواسته های غیر از او را هر که از او میگوید که با او
او هر چه بر پیش و دلش میخواست و از او میخواست با او میگردان که مقدر فرموده و حضرت
جلال و بلند مرتبه خرم سوخته که به بنده ترجیح می دهد و او را بر هر نفس میگردان که
عطا و توفیق او را در نفس خود می بیند و مسلم برای او روزی و امر او را در متکفل باشند و
به تمام برای او عوض تجارت می بخرد که با تجارت او سود و روزی و چه در دست حضرت
هم از او را خدا هم که هرگز از خود که هرگز طلبه نفس را خلق کند غیر از خدا و او را در ذیل
لذت او و در کمال و در اختیار طاعت حاضر می کند و بجز هر که عطف خلق را آن با
کفایت کند خدا را از روزی و در شکی و در طاعت و در طاعت و دنیا او باشد و فرموده که

عالم را دور

حاکم که از اینها نیست غیر از خدا و در حدیث علوی حسین
معنی است و از لال احادیث این جدول و بحاری چهار دست و پا خواهد بود
و مالک شریک بوالعزم که دنیا است که در همه عبادات و افضل کل عبادات است
چنانکه از شهادت عقل و حدیث مشهور است که دنیا را سزاوار خلیفه معارف
و حضرت سجاده میفرماید که بعد از معرفت حقیقی از بعضی دنیا است و در حدیث
بهین میفرماید که حق ظهور و مناسبت دنیا و انقلاب احوال و سواهی مایه اهل آن
خصوصا در این اخر الزمان از ذکر ایات و روایات منتهان کافیت و حضرت
صادق علیه السلام میفرماید که حرام است بر خدا را که جلالت و ولایت ایمان تا آنکه دنیا انگیزد
چنانکه صبر کند صاحب کرم که در این چند روز از آن سر دنیا بگذرد و در وقت
خود دنیا بماند که میباید هر چند به خود بیشتر تنگ از نجات دور تر شود و از او
صیت نبوت است که با او در خلای که جهان محمد در قبضه قدرت او است که آن
تر خدا قادر بر هر چه میسر و میجوئی شریعت است و میباید دو معلوم است و آنچه
در دنیا میجوئی که غرض از آن رضای خدا باشد دنیا خانه کسیت که در آخرت
خانه ندارد و دنیا که جمیع میباید که تغافل از دنیا و احوال است که این آدم بر توفیق که در دنیا
میباید که بدون او و محبت خود را از او بپوشد و کسی که از دنیا آنچه احتیاج ندارد و

10

محرم مانند شب و روز برابر بخورده عمری نیندازد که هر دو می درجند عالی و معالی
باقیه برای خود ذخیره باید که خرج تعیش ایشان و رضی تو فیض میراث ایشان بخورده چنان
شمع خود را برای دیگران میوزاند و حفظ حلال و حرام و عیالات ایماست و حضرت
سجاد علیه السلام میفرماید حق والدانست که با فی اموال تو و مغلوب بدست در دنیا بیرون نشد
و تحقیق سؤال کرده خواهی شد در آخرت از چیزی که تو را مستولی آن کرده اند از
حسن و ادب و راه نمائی بسوی پیرو در کار خود و باری بر طاعت او پس عمل او را عمل
کنی را که مینامند شایسته بخوبی با و معاقبت بر بدی او را و از احادیث نبویه است
که اگر کسی امت را خواست باید دختر خود را بفاسق تزویج کند که هر که چنین کند از انوار
سلوا هر روز هزار لعنت و بالافیه و از هیچ علی و نه دعا می و هر زنی که تزویج
فاسقی را می شود چون از قبر برخیزد میان دو چشمش آیه التیس من رحمة الله و عضو
بست در دنیا و آخرت و هر شب و روز بقای خطا و گناه است و بعد از آن که
بدر خوار دهند پیمان او را و بنیاد او در خطبه و داع نموده که هر که اهل خود را ضایع
کند و ضایع رحم کند خدا او را ضایع و محروم گرداند و روز جزا او بر گردن دارد و بعد
است میان ایشان سلوژد نکند از خود و دانی روز قیامت غل کرده اید کطف کج
نادا و در رخ شود و هر که ظلم کند بنزد دهر و در غفلت از کار راست روز قیامت

قصص

ضایع و فرسوده و بدترین نشان بر سر من روز قیامت کسی هست که خلقتش بیکو و باطل است
 بهر سواد که و فرمود که از این بر من با حق من ختم اویم در بیعت و فرمود که عجب اهل از او
 که در بر من اوار تر است بلکه اهل و پیر این را که گناه کند بتو که ای بس در دست تو
 و این خدایت و پیر این رفیق زشتی از خانه پس او دیوانه است بنام تو و برابر او هر کس
 که در راه خانه در چشم و فرمود که اطاعت زشتی کند خدا را و الله بجز آن اندازد و بر سر من از
 اله است فرمود مثلا از من میگوید ای پسر و مرد و پیر و با حق پس مرد و پیر و با حق
 در آن که موقف بنوعی حال در احسان محمول که از نظام و کنیز ملک حیوانات و حقوق الهیه
 و حضرت بجا و کفر باید حق محمول است که باز او آورده و پروردگار است ملک او
 نه بر او بلکه خلقت کرده و یار و مددش از است بلکه از خانه و سر تو ساخته و تو
 ایمن داشته و بر این حق تو بنویسده پس احاشی کن چنانکه خطاب تو احسان کرده و اگر
 خود را بدی کن و از آن خلوق خدا کن و در وصیت امیر المؤمنین هم است از خدا
 بنویسد و در آن و مخلوقان خود که آنرا سفر که بنوعی نشان فرمود این بود که وصیت
 میکنم شما در حق این دو ضعیف و در حدیث مبایعه شده در اجازت از ظلم
 کسی که پناه و یار بنوعی خدا نالد و باید دانست که بمضمون کل کلامی او کل
 مسئول عن و عیبه هر کسی که در عین و در دست تو نوشته از اهل و عیال

برادر ارادان خود گفت می فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود نفع میریزد
نقاء این نفاق کم یک فرمود حق و بابت است بر تو که دوست دار جی که از این نفاق
دوست میدارد آیا میبای این نفاق را نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
از این نفاق زیاد یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
چرا فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق
میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
و فرمود میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
که همان دارد نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
کنند در خانه او میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
که همان نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
میطلبند حق کم است و فرمود حق کم میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
مطلبی تا اولاد من که این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
و بکت داخل برادر می شود و میریزد از این نفاق کم یک فرمود حق میریزد از این نفاق کم
خضیه دید آنچه حاضر است بسیار و اگر میبای پس تکلیف کن از برای
و اگر دعوت به اجابت نکنند او را و ما نیز خدا کرد و محمد بن حضرت صدوق

کلام خود را از امیر المومنین که بجز در از شیعیان خود رسید و موعود معرکه تا منافق
علاوه بر موقعا نیاید که مکافات کننده از طرف خود قدرت عزوجل به پشت
محمد مصطفی بی تحقیق است که حق و حجت ۳۴ بعضی جمله خود و بیا که
بیانات و اخبار تصدیق بابت برگشت مال و عمر و سعادت دنیا و آخرت و رفع
بلا و آفات و فقر و غنا و از هر چه در دلش تر است بر شیطان و حضرت صادق ۱۴
میفرماید که اوان بهشت خدا برسد پیش از زایل و فرموده تصدیق شب بخوابید که هر
حاجب بعد از قیامت بر آستان میکند و در روزی که مال و دیار میکند و خدا را بپوشد
نظاره فرموده فرمود که تصدیق که خود او را میگوید در حفظ میماند و بدین چون
تصدیق میکند چه چیز کم در کف زایل میگرداند پس میفرماید و فرموده و میفرماید
از زبانت او میگذشت و از او رسول خدا منقول است که تصدیق پنهان آتش
خفته خدا را فرو میزند و در حقیقت این آداب اتم مانده و بعد از استادی
پیشتر و پیشتر رسالت و در بیان و در بیان و در بیان و در بیان و در بیان و در بیان
آن حضرت که کدام حدقه افضل است فرموده آنکه بحدقه حدقه در پیش اشتیاق
فرموده بایر و پوش و ن علی انفسهم ولو كان بهم خصاصة فضیلت چنانچه
بفرموده که در حدقه و در حدقه آنها میفرماید که اگر آن ابرو خدا اختیار میکند و حدقه

فقد احتیاج دارند در هیچ جنس فروغی که از تصدیق نماندگی بقوت روشن بخوبی
که بکل موت بنده بلکه الموت داده میشود و پس تصدیق دارد بخود پس تصدیق میکند
میتواند با او که پس نه و در موت حضرت سجاده فروغی که بپس میکند تصدیق
میتواند پس او را پیش که همان است که باقی می شود و در هیچ حضرت دیگر فروغی
اول جبر که در وقت ابتدا میشود با او صغر است و فروغی در سطحی مثل در گذشت
است که حضرت در دست جابر شود و از این بی نقصان حدیثش در رسول خدا صلی
که هر که از این تصدیق کم نقص است و دیگر بود از این خبر شد است و احب در این باب
و بعضی باین زیاده نیست که از این صغیر حقوق زیاده نشود و فروغی تصدیق است و اول
سبب است که داخل هرشت و وارد میشود و پس من و من کو تو در فروغی که کن و در حیات
خود تصدیق که کنایه است از اینها را شرف بعد از آن که در حدیث دیگر فروغی که بکاف
پیش فرستی بهتر از خود متعالی است که بعد از آن که بفرستند و بر وایت آباد
فروغی که صدق و بی فروغی اول آنکه مرا با فری که در و خانی بودم پس فروغی که
بودم دولت حکم در و روشن تو بودم حافظ خود نمود و از حضرت امیر المومنین
به فروغی بگوید و در صدق که نور است و در حدیث تصدیق که در حدیث است
معه و بعد از تصدیق که هر چه العین است گفت پس غارت گفت افضل است

[illegible]



و در کار منزه است سید خرم و مولای خرم بد کردم و خطای نمود و خود را که بر سر مراد رسید
 خلق را سوای منی که در این وقت همه بمن میبندند و هر گناه را بر او شمرند و گوید
 خارج از این چه تنم بر نه گوار است از این بگذر راحت پس نذر است ^{مطلوب}
 که سر سوز را سیر کرد و خاطر دار و احسان کرد و دست بر مراد و مؤمن و دستان کعبه حیدر
 لیکن در کارها ختم بلند کرد و روزی از ترس عذاب ختم جو را سوزید و باروان
 کرد و شبی از ترس ختم بعبادت و بیدار بر سر آورد و در دیده باران ز خوف افتاد
 ختم از خرم پوشید و ختمی جهت جمع گناهان ترا بخشیدم و بختیست تو در آگاه
 بسیار دادم پس در احوال بود سفید و دلش اگر در آجاست هر بر سر و زیوار
 بهشت در بر او کرده است و در خبر میل بر میریزد و مرا و گرامت مرا و بر ناپس
 سوار نشود و نامشود از گشود و بگوشتان ناید و از مراد افتخار و استغفار
 گوید و اقامت اقرار و گناهیانی ظنست اقامت ملاقا حسابید پس
 در عیش با شریک سپید دیده و چون بدر بهشت رسید ملائکه گویند که کفر شوق خود
 نابالغ این نامه را بر او در بر او نوشتند و بدین اسم از حقین از حقین این نامه
 که شوق است از خود را عزیز حکیم بر سر غلام این غلام غلام که غلام
 سواد یافت و بعد از آنکه در منزلت نمود هرگز و نفعی او را نکرد و در آگاه

[illegible]

717

[illegible]

777

[illegible]

سراغند بگویند و اندو فرمود با حال قرآن افضل چیست است بعد از این با الهی
 بلکه تو قرآن نوحه و قیرند نموده و بر دایق فرمود غافل نشود از قراوت قرآن که
 صحیح گوید که گاه شام کس پس بدستی قرآن زعم میکند در راه مرده باشد و باز
 میبارد از فتنه و منکر فرمود بخوانید قرآن را و اگر می کنید و اگر نیاید محمد کریم
 کنید و در حدیث سلمان میفرماید چون مؤمن قرآن بخواند در هر حالت بر او کشته
 بهر طرف که از آنش در آید ملک آفریننده را قیامت بر او وسیع گوید و فرمود
 جبار را ملاوت و ذکر سوت و فرمود خوانان مشرانها بنده و تعلیم قرآن
 کنند و فرمود هر که قرآن را ختم نماید و بر ویست طبرس بخواند گویا پیغمبر بر آید
 و پهلوان و جاد و آنگاه که در حدیث است و خیر نیست مگر در هر طرف
 یک آنکه خدا قرآن با و عطا کرده پس قیام میکند با اوقات شب و نور و در حدیث
 طولانی است حدیث اخبار یحیی که حضرت امیر المؤمنین ص منقولست
 که گفتیم بر رسول خدا پس معصیت از فتنها فرمود کتاب خدا را خیر گذشت
 و آید در آنست فصلی است که هر که میل نبرد او را و او را و سیر نشود از او
 عا و فرمود هر که طلبد از سیر غیر خدا او را که راه کند و هم از آن حضرت
 ذکر فرمود هر که قرآن بخواند پس که آن کند که ملاقات بهتر عطا شده

بسم الله الرحمن الرحیم

پس به تحقیق که هر که قرآن را بخواند عظیم ثمر و تعظیم کرده و جزیر را خدا خیر نموده و فرمود
 هر که قرآن را که گرفته پس فراموش نماید خدا آنرا دست بگوید و بسند بخند و هر که قرآن
 تعداد بر او مسلط نماید و در چشم با او باشد که خدا به بخند او را و هر که قرآن را یاد کرد
 بعد از آن در دین مستقیم و در آن شود بعد از آن نزد مصاحب سلطان رود بر او صلح و
 بعد بقدر هر کار بر او است و در آنست که هر که قرآن بخواند از قرآن مسکریست و
 بحسب فریفت دنیا را بر قرآن اختیار کند مستحق عقیقه است که در دو بار بلندند
 فرمود در حالان قرآن به سبب تو اضع کن تا تو را رفیع مرتبه گرداند و بکن از خلق
 عزیز کن و خدا تر از ذلیل گرداند و مرتبه ثوابان بر او عطا تر از ایت بخند در خطبه
 در آن فرمود هر که قرآن خواند بر او صلح از مردم ملاقات کند خدا را و در قیامت
 در آنست که در روز روضه هیچ کس نشیند و قرآن نیست که در او از عذاب داخل بهیم
 کند و هر که قرآن خواند و عمل بان نکند که در محشر نشود و گوید خدا یا جبر را و هر که
 که در محشر بناد و دم فرماید همچنان تا بناید و در آنست که آیت است پس ترک و فراموش نشود
 آنها را پس این امر را در حدیث فراموش نشود نگاه امرو فرماید او را بس و فرمود
 در دهر بود و نصار باشد که در کتاب خدا را است سر سر اندازد و فرمود
 عذاب ضایع کند که آن مشرب تر است از عذاب سیر سیر و با سیر آن خوان

بخواند قرآن و دانست عمل با آنچه در آنست و شب بیدار است و تلاوت آن در شب
 و در پس به تحقیق هر که در هر وقت با و نامه از خدا بسوزند که آن بس و ایت
 هر ساله در هر روز نظر نماید بر خدا اگر چه بجای آید باشد و فرمود هر که در اقل
 اسلام بخواند قرآن بخواند پس بر او است هر سال هر ایت باشد از عقیقه المال
 مسلمانی و اگر منع کنند در قیامت بخواند که گرفت نام بحسب حاج مرتبه وقتی و بر
 و ایتی رسول خدا ص فرمود با عده چند از جهالت ترک عمار و الدین خود خوانده
 قرآن بخواند و پس سلام و دعا را اهل عبور گذشتن و در مسجد که رکعت
 از هر که سیر و بی وفایان و از عالم همه ای نگرانی و جوان با غفلت ضایع نمون و تر
 پیران ندانستن و اجابت دعوت را حلال نکرد و سیر جوان و هیت که سیر
 باشد و پیش از نماز جمع از شهر دور آید و حضرت حال قیام میفرماید و سیر الله
 بهست مؤمن را و سیر و قرآن را یاد فرماید و فرمود در دست دارم و در خانه مصحف
 باشد و برکت آن خدا را عاقل را از خانه نرفع میکنند و موافق اعمال باشد نظر
 بقرآن که در عیادت غایب تلاوت از مصحف بهتر است هر چند از بیست
 و فرمود هر که است در قیامت شکوه خواند که در از مردم آن هر که از عیادت
 نشسته باشد و خوانده شود عالم را این را بر سرست و مسجد و در آن از

قرآن اور لعنت کند بر کمال و با غفلت یا غنا خواند و فرمود در قیامت دوا
 حیات است که دوا انتهی و حیات و سیر است پس نوشته نام حیات و ذکر و ذکر
 بطلند بر او بکنند و این حال قرآن با حسن صورتها آنگاه پیش او عا
 شود و گوید خدا یا منم قرآن و این بنده مؤمن توست و خود را تعبیر مراد است
 بطلد و مع و در در از شیعیه به ترتیل مراد و چون مراد بهیچ بخواند آید
 اشکها بر سرش خدا را و او را از هر کس چنانکه مراد از هر کس ده خدا فرماید از هر
 مؤمن دست است خود را بکن پس هر کس را از خوشنود و دست پیش از رحمت
 و گوید اینست بهشت صالح است ترا بخوان و بالا و پس هر که در قرآن ناید و این
 معز از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم متواتر است و در جات است بعد از آنست
 قرآنست و در صحیح امیر المؤمنین ص این زیاد است پس نبی که در حدیث
 بعد از سیر آن و حدیث آن بلند تر از او و فرمود در هر خانه تلاوت قرآن
 و یا خدا را که شود برکت و ملائکه نازل میشوند و نور من بخند با آن کسان و رفع
 مشیتان میشود و فرمود در سیر خدا را عذاب الهی می کند و هر که را انگذارد
 پس چون نظر میکند بر آن قدم بسوزاند بر سیدارند و اطفال قرآن را می کنند
 این را ترسم و تاخیر عذاب میکند و در وصیت رسول خدا ص فرمود بر تو

بخوان

بر سر ترک معصیت و انانیت و از سر نو به سر و بند این از هم جدا شو و از جهت حق بار داد
این از او بخت در انوار از او و کرد انوار اندیش چون نور از او بار داد و هر چه بخواهد بر او
در موقی فرود می آید که هر چه بخواهد بر آن مطیع است ترک می کند و هر چه بخواهد بر او
می نهد از سلبه اش بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد
ترک می کند پس هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
و گناه می کند و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
می نهد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
فرمود و وقت موعود می کند که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
عفو و رحیم است قبول می کند و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
رحمت خدا را امید یکن و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
بر منم می نهد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
تو حق که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
شود و اگر بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
بکند پس استغفار نماید و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
التماس تو را آن نفس بگو و کلمات کافیه و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
الان

و ای که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
ایان آدم اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است
فرمود و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
است و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است
شق و وقت موعود می کند که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
فرمود و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
ایان آدم اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است
کتاب پیش از این که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
می نهد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
کتابان و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
نیز که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
تا این زمان هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
ایان آدم اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است و اگر نه عفو اتم است
بر او است و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او

شده بگو تو به نیت و سبیل آن کند تا وقت فرصت هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
مهم است و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
لانکه هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
چون برده نیت است و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
در ملک الموت چه شود و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
و بر این چنین است و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
عمر آن گذشت و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
یک عتق فرصت و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
انهم بقیه پس و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
سعی و اسیر و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
از شدت هول و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
در بین راه و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
با فرمودن آن که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
تا می رسد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
پس از حال صلوات دعوت را در گوشه روضه در ایام فایده بخش و بر نفس
و فرمود

نکستند و از حال صیقل پذیرد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
و ای که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
از این که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
تقوی و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
بشماره نجات او و قطع نظر از احتمال این آفت و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
و از این بیشتر و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
نار که تقوی و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
با تقوی و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
شماره نجات او و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
با تقوی و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
علیه و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
که هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
تا می رسد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او بفرستد و هر چه بخواهد بر او
پس از حال صلوات دعوت را در گوشه روضه در ایام فایده بخش و بر نفس
و فرمود

[illegible]

هفتون

[illegible]

تشخیص

[illegible]

الحمد لله

[illegible]

مردم که اگر استقامت را بر خود انداخته اند و مستجاب میکنند دعا را و قبول
فرمان را و قبول دارند که اگر از امری که کرده و بر گردانده و فرموده است بپایندارند و ایمان
برای هر دو است و بر خلاف حق قابل شود و بران بماند و این معنی صحیح است
و بعضی از آنها میگویند که آن ناموس و شرف است و بعد از آن که فرشته نبیانه و مدینه
از بهجت تعبیر میگرداند و رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز صریحاً فرموده و او را
نویسد که در خبر اسلام و از انشعاب و انشعاب بدیع تحصیل علوم بود و بر شرف عیت
چنانکه گذشت و از انچه فتور داد و جمعیت قابلیت از اندازند بلکه شرف از آنرا ندارند
و در این زمان بعد از رسید که هر که بتلاش با اقبال جمال او پیش متمکن از فتور در بیان
اسلام و احراز احکام کرده بعقل و فهم با بعضی از آنکه کتاب دیدن یا شنیدن بجزات حکم و فتور
افترا بخدا و رسول مینمایند و بکفر و تقصیر استکبار و قرار عمل نمودن از رسول و از برای
تفسیر و در هر آنکه متوسل از این بدعت تعبیر شده بکفر و ظلم و فساد و در بعضی اخبار
بخطا و در بعضی اخبار روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله که علم است و بر سر است و این
بگویند که اینها باطل است و از عقوبت و فتور و بجزای عید از آنرا فتور شود و قیامت
نجات یابد و فتور و هر که فتور در و ناسخ و منسوخ و حکم و متشابه آن را در انداخته و در دیگر
آن را ملایک کرده و این معنی فتور است و فتور در دین اسلام است و حدیث است

مردم که

هری که بخواهد از این معنی خبر بگیرد و بداند که این فتور و حضرت با قرع در صحیح
میفرماید که هر که فتور در دین اسلام را بداند و علم و ادب است که اندک و اندک و اندک و اندک
مزار و در هر که هر که بخواهد از این معنی خبر بگیرد و بداند که این فتور و حضرت با قرع در صحیح
میفرماید که هر که فتور در دین اسلام را بداند و علم و ادب است که اندک و اندک و اندک و اندک
انها را بعد از آنکه از این معنی خبر بگیرد و بداند که این فتور و حضرت با قرع در صحیح
این بود و احادیث کثرت و شدت لعن و طعن مفتی بغير علم بغير است و بعضی علما
قابلیت است و در فتور و نقل مسئله شریعه و تعلیم مردم نمیکند که اگر اینهم با دلیل
بسیار و ضابطه است بلکه قائل به اوقات قایت بر عدت نگردد و اسف و اسف است و این
و اشاره با آنها شده است که در این شیوه هم میکنند و حضرت با قرع در صحیح
حق خدا بر خلق افترا افتاده اند و اینها را از اندک و اندک و اندک و اندک و اندک
الاف و فتور از این معنی خبر بگیرد و بداند که این فتور و حضرت با قرع در صحیح
اعتقاد بر طرف و فتور و این اوقات بعثت فتور و اعتقاد و فتور و فتور و فتور
و احوال ایشان و علم و تحقیق و ترویج و ترویج و ترویج و ترویج و ترویج و ترویج
نموده و با غایت خفا و حجاب و انحراف از دین و انحراف از دین و انحراف از دین و انحراف از دین
این معنی و موضوع و اعتقاد و فتور و فتور و فتور و فتور و فتور و فتور و فتور و فتور

مردم که

خلق از ایشان که از این معنی خبر بگیرد و بداند که این فتور و حضرت با قرع در صحیح
میفرماید که هر که فتور در دین اسلام را بداند و علم و ادب است که اندک و اندک و اندک و اندک
مزار و در هر که هر که بخواهد از این معنی خبر بگیرد و بداند که این فتور و حضرت با قرع در صحیح
میفرماید که هر که فتور در دین اسلام را بداند و علم و ادب است که اندک و اندک و اندک و اندک
انها را بعد از آنکه از این معنی خبر بگیرد و بداند که این فتور و حضرت با قرع در صحیح
این بود و احادیث کثرت و شدت لعن و طعن مفتی بغير علم بغير است و بعضی علما
قابلیت است و در فتور و نقل مسئله شریعه و تعلیم مردم نمیکند که اگر اینهم با دلیل
بسیار و ضابطه است بلکه قائل به اوقات قایت بر عدت نگردد و اسف و اسف است و این
و اشاره با آنها شده است که در این شیوه هم میکنند و حضرت با قرع در صحیح
حق خدا بر خلق افترا افتاده اند و اینها را از اندک و اندک و اندک و اندک و اندک
الاف و فتور از این معنی خبر بگیرد و بداند که این فتور و حضرت با قرع در صحیح
اعتقاد بر طرف و فتور و این اوقات بعثت فتور و اعتقاد و فتور و فتور و فتور و فتور
و احوال ایشان و علم و تحقیق و ترویج و ترویج و ترویج و ترویج و ترویج و ترویج
نموده و با غایت خفا و حجاب و انحراف از دین و انحراف از دین و انحراف از دین و انحراف از دین
این معنی و موضوع و اعتقاد و فتور و فتور و فتور و فتور و فتور و فتور و فتور و فتور

مردم که

که خدا را از خبر دادن سیلین هستی و در حضرت ارضا متوقف میگردد تا باورشند
بشیر از صفای نانو به آن و در حضرت رسول هم در مسواک و نماز و همچنین و در
زنان هم بعضی احوال بنام است و بعضی از این چیز و دیگر مانند از حضور و سجده
جماعت در عین مهم و وقت مشتمل شود است در ذکر نیات از عقوبات
سیم عقوبات و بر این سابقه از زکوة و نفس سؤال خواهد کرد و از تکمال استقامت هم خارج
کلام ملک علامت تا اول ارکان اسلام ذکر کنند و بعد از آن ارکان و افهم یک یا چهار ایمان است
و سیصد و پنجاه و زکوة شمرند و یکات در میان زکوة و کفر و نفقات و مسکن
و شمس ترک تا غیر آن بسیار است و در سفر هم که شمس تا که در فرقه کافر است
در صحیح حضرت صادق علیه السلام میگوید که اگر کسی از زکوة را نگیرد و بدست
نمیشد در هنگام هر که سؤال خواهد کرد رجوع بنمایار و این کلام حس است اذ اجاب که احل هم
مست و مرتبه ظاهر شده است چون یک کلمه ایشان را میگوید که ای کویید در کلام از خبر کردن بنمایار
تا عمل حاضر می آید در این خبر از ارادت و آنکه از شمس زکوة و خود را بدیم و فرموده و دانش مقبول
است و فرموده و از خبر و خود را بدیم و زکوة از شما خبر نداده و از آنحضرت متوقف
بسیار تحقیق مانع زکوة در گرفتن است اگر چه طاعت خدا کرده باشد از ارادت و بر این عقیده است که
قدومه باشد و در وقت کویید در دست بعد از دنیا دهاندا کنند استغفار تا بعد من تقابل فرموده است یا حاضر

[illegible]

گوشته اور اناحق تعالیٰ از حق مطلق خارج خود هرگز آید مابعدا ایمان تقییر نموده اند و ایت
و تقیر باین حقوق متعدد مال ایمان مایه مستعد است تا بعد از آن بکنش و ان الذی هبنا
و الفصد و لا شفقو نصا تا الخ ای که بنگار آید مطلق و غیر مکرر در مال بقصد این بقصد
خواهد داشت تا برایش برابر خود نفرستد و در صحیح فرمود نیست که در بعضی از مال حق مکرر دارد
مگر آنکه در غیر حق و در هم طرح کند و فرموده زکوة غذا که بر حق مالش کم نشود یا بخند و مع نکر
مالش زکوة باشد و این مکرر تا غیر بر سیده و فرمود هیچ مال ضایع نند در صحیح از او مکرر آنکه
بضایع از زکوة و هیچ مضر شکارند مگر به تقیص هیچ خود و حضرت فرمود هیچ مال حق بخلا
زکوة را فرزند ندارد فرموده که اقبیو الصلواة و اقلاتی که پس هر که غارت کند زکوة ندید
یا نازک و در صحیح از رسول خدا ص ذکر نموده در مسجد فرمود بر غیر مایه فلا و یا فلا
بسی هیچ نفر از اعرام خود و فرمود بیرون روید از مسجد و در آن نازم کنید و حال آنکه زکوة
نمیدار و بر او زکوة دیگر فرمود که هر که زکوة نمیدارد چون میجو بر هر عیسی از اعضا او مادر و عقیقه
و زبانه از آنش گذارسته شود و بر او ای حضرت ملاقع فرمود است بهوست است من در غیر
و عقیقه بی هر سینه یا میانه از امانت زکوة نکند از عقیقه و غلامی است از حضرت کاظم ع
میفرماید هر که زکوة غارتش تمام بیرون کند و عیسی آن رساند او را سوال نخواهد کرد
که آنرا کسی بخارزد و غیر نموده رسول خدا ص حق تعالیٰ از همه کس دنیا و آخرتش را داد

و سر نیز در آن روز قیامت و با سبیل آن داخل این سر شود و فی الحال معلی صدقات و حقوق و جمیع مال
 مردم از حق او سببی در آن روز نیست و حضرت عارف میفرماید که هر که این لکوة را ندیده و دیگر در مثل آن کس
 که لکوة ندیده و دید این لکوة است که در فقر باشد که هرگز او بر سر خود با شرف و توبه نکرده باشد و از
 بر سر نهی نگذاشته باشد و آن کتاب ندارد پس خود تعلیم گرفته است و هر وقت از لکوة بر سر بر سر
 جهان است که لکوة داده باشد که هرگز باطل نگردد و حقوق و مبالغه عاری است از آن کس که مثل شایسته
 لکوة است بلکه هر وقت عارف میفرماید که بر سر مردم در آن روز قیامت هیچ مال نیست
 صاحب نفس هر روز دو کوبه خداوند الهی خود را میباید و فرمود که اگر از خدا بگریز او را نپذیرد
 میکند و حال آنکه از غنی ترین مردم و قریب به تمام مملکتها است و او بسیار خود را میباید گفت
 مردم بجز آنست که خجسته میزند و فرمود که این عالم است و هر که از این عالم بگریزد و بگریزد و بگریزد
 و نفس را نداند چنانچه بسیار است و اینست که هر که از این عالم بگریزد و بگریزد و بگریزد
 صلاح آنرا در آن فرمود که این عالم است و هر که از این عالم بگریزد و بگریزد و بگریزد
 بر جسد حق و این عالم را بر سر فرمود که هر که از این عالم بگریزد و بگریزد و بگریزد
 فرمود که در هیچ حضرت با قرب فرمود که حضرت امیر المؤمنین ص که اکثر عالمان و بزرگان
 جهان را از بسبب شک و فریب چون حق ما را از حق شنیدند و حضرت صاحب الزمان در پیوسته
 در آن عالم بگریزد و فریب چون حق ما را از حق شنیدند و حضرت صاحب الزمان در پیوسته



بر احوال و دینی که از خدا ترسد و بیرون کند آنچه در فعل اوست از دست تحقیق این خواهر دوازده
فصل و هر که تحمل کند آنچه خدا بر او دارد از آنکه او را بر جمل او فرموده پس بدستی بر جان
سبب آن کار دیندار آخرت خواهد بود و اگر شکسته اما اجتماع با قاضی و موسی که در این باب است
ایشان از شرف و خدمت و محبت و برکت و ملاقات و روز و غیرت می کنند بهارات و بهار است
پس ما را محسوس اند از آنکه از این مکر آنچه با سیرد از جزیر چند مکر و از اینان با قاضی
میداریم و فرمود پس می باید عمل کنید هر یک که شما می توان با آنچه او را مقرب می سازد بخت
و بیدار بخت با نایب زانچه او را نزدیک میگرداند بگرانش غضب پس به تحقیق و امر فرمود و بنا
گاه و چه خبر خواهد رسید که هر انفع ندارد تو به او و بخت بخوار داد او را از عقاب بپای
بر تقصیر و نداشت او در میان بخت از حق و عقوبت می بارم انت موضوع بحال
از دوزخ است و آنکه از ابدان و هر که بطن و سیر و قیامت از غضب آتش سوزانست
و با حالت تنوانه با پیغمبر ارکان ایمان است و در صحیح گوشت قرم که فریاد از دوزخ
بعد از آنکه ایم فرمود است و فضایل آن بین راست و نوازیدان در تسهیل سلوک طریق ابرار
سور در القرآن پیش از آنکه ترین راه است بعد عالم نور و سهل ترین علم است در نور عظام
بخت و سر و دست راست از سایر عبادت پیچیده از دنیا و اوقات جهانگیر رسول خلاص و حق
فرمود از جناب اقدس که هر که میسر باشد دوزخ مخصوص خود و ابرار بر مانت و فرمود
دوزخ دوزخ عبادت است و بخت سلاطین که هر چند دوزخ را باند و فرمود با خدای که جان

فقد نبضه قدرت است و مست باده و من صام و نوشم که در حق غفلت افتد و شوهر ترا در انکس
و فرمودند که هر که در او کمال و سقا فرموده بدعا باز رسیده داران و همسرش را در حق فرموده و از حاجت
آنرا برادر و ملائکه خود را ایور که فکر آنکه مستجاب گفتم و فرمود و هر که در او کمال و سقا
کمال و منویست بر فرموده داران بنده جان تا عصر که در فرمود و روزه بپوشد که در فرمود
درست و در عبارت نداده است و فرمود و روزه را در شب بخانه رسیده میکنند و بعد از شستن
در میکنند و در وقت برادر خود را دعای مستجاب هم بر عمل برادر داران حالش را از او بر طرف میکنند و
از کمر او را قطع میکنند و هر سبزی را از کوبند و از کوبه بدینها رسیده است و فرمود که روزه
چنان از وقت خوابان عاقلانه ملائکه و غلظ او را و بدینها رسیده است و در صبحش فرمود که از آنجا
نهار بخوری و در صبحش بپوشد که از او در وقت از آنجا بدینها رسیده است و در صبحش فرمود که روزه
باز فرموده ایشان از دعا بر شرب آدم رسیده است که کند آنها را ملائکه رسیده است و در صبحش فرمود
هر که روزه دار باشد و کوشش و عیش و مقبول و دعایش مستجاب و در صبحش نقشش
و کلامش هر قدر و تفسیر و استعینا یا الصبر و الصلوة فرمودند که در او رسیده
باشد و روزه بپوشد و فرمود که از آنجا بدینها رسیده است و در صبحش فرمود که روزه
از خود در روزه نگذارد که در حق غفلت افتد و ملائکه و فرموده است که در صبحش از آنجا
و بدینها رسیده است و در صبحش از آنجا بدینها رسیده است و در صبحش از آنجا بدینها رسیده است

[illegible]

فایده بطریق آنست و مردقش روایات محقق است بر آنکه جموع و صبر و کسر و کشش که یک از
فراورد و از دست هر جمیع فایده ای است شمع منقذ و پس یکی از اوایل است زیرا او اسباب همه
درد و اعراض و نجات و سیئات و طرق شهوات و غفلات جهاد دشمنان و آفات و وسایل فرار
و قبول طاعات و اجابت دعوات بالهم محقق است در وقت و کدورت خاطر و غفلت
و لذت و فساد و رفتن آن یکدیگر را و در وضع با عشا آنهاست و بعد بر میانه که شوق است
و سوال غرض هر که باشد که خود را بر شرب به تحقیق و در هر حال که غرض حاصل به قصد شرب
و فرود بی افتادن و یا نفسها را در جموع و غشش و به تحقیق که امر آن مثل امر صوفی است
است و به راسته و هیچ علم ندارد و محبوب تر نیست از که سبک و کشش و فایده این چهار مورد را
نیز یک مرتبه نشانند و در قیامت که است که سبک و کشش و فایده این چهار مورد را
شاید و نیز هر چه از اینست و فرود که به تحقیق حق خالی باشد که عبادت میکند که
که است و اگر که در دنیا میفرماید و چندین بار میفرماید و این که درم و در شرب
و طعام در دنیا پس ترک کرد و اگر ارباب را بداند که گناه باشد و هیچ فواید و انگیزه ای
مگر آنکه در عوض دین بهشت و اگر است خود و این احوال است و در دست و در دست و در دست
است بعد از صرف و جموع و در دست و در دست و در دست و در دست و در دست و در دست
به طریقی میفرماید که اگر تو را در امر که در دین و در دست و در دست و در دست و در دست و در دست

در این اوقات سابقه بر این واقعه کبیره با شک و شکایت از هیچ احوال و شواهد بر این
عقبات پرور شد و عقوبات گشته موجب تلاطم از هر رخ و قوت نهشت خواهد بود این شایسته
قادر از انچه خصل معرفت و محبت اهل بیت عصمت و طین معنی و این که گزشت و بصیرت غافل
من تقارط را از قیامت بهشت تمام خطب کند یا صدیق یا دال یا عابد یا ادراک هر
یا غنی یا عیال گز تو در شیشه تو بسور است و امیر المؤمنین صم فرمود خبر دادیم از رسول خدا
که در اهل کعبه داخل شودیم و تو غافل و صمد گفتیم پس مجتهد فرمود نیست
و فرمود که تو مردم با حضرت از صمد مردم فرمود آری از فریستی که اول کسی که داخل
داخل میشودیم و تو صمد و صمد از زمان ما بر است و صمد و تو و ما از پدر سر زمان
و شیعیان را پدر دین ما و فرموده انصار را حضرت گفت مرحتاب مفدقت تو ندادم
بخانه امیر و ما تو را که از انچه بخدمت تو میام که هر بیستم تو را از محبت پس بود
قیامت را بخلاف علیان در تو را که میایم پس این که تا نازل شود که من طبع الله
و رسول الله فاد الشاک مع الذین انفسهم الله الایة بعد پس اورا طلبید بنابر
در این وقت بملاقات عم بنی برادر فرموده و از او اهل بیتی گفت قدر از تو شوم از آل
محمد فرمود بدو را دست از نفس و بود ایشان را یک خوانده کتاب خدا را عز وجل است
احسن الناس بابی ایم و او خوانده کلام خدا را حق تعالی انی اخذ

بهر آنکه نسبت به هر تحقیق که از این مذهب و السلام علی من اتبع الهدی و از جمله زیارات قدس
برادر این نداشت و صلوات بر اهل بیت اینان و محابرت و مامن در محراب اینان است
و اگر کسی را احوال بر شایان این حدیث خصوص آیت بسیار و اما این متواتر از طرق
و از حدیثی غدار بنما راست و ششم و نهم و دهم و صحیح حضرت صادق علیه السلام و رسول خدا ص
فکر میفرماید از حدیثی مسلم و در حدیثی آخر است و نظیر در حدیث سایر پیغمبران مانند و است
استاد از حدیثی و زیارت بر اهل بیت که این برای و حدیثی دیگر که بعد از حدیثی دیگر و جمیع
اینها که در حدیثی و زیارت بر اهل بیت که این برای و حدیثی دیگر که بعد از حدیثی دیگر و جمیع
مطهره این و آن من عیلتی و آن حال که هر که او را دوست دارد و او را بر حال که هر که او را
دارد او را این هیچ مؤمن نیست و از حدیثی دیگر که این غدار است باید و در حدیثی دیگر
که در حدیثی دیگر و آن مؤمن نیست و از حدیثی دیگر که این غدار است باید و در حدیثی دیگر
با حدیثی دیگر و از حدیثی دیگر که این مؤمن نیست و از حدیثی دیگر که این غدار است باید و در حدیثی دیگر
و از حدیثی دیگر که این مؤمن نیست و از حدیثی دیگر که این غدار است باید و در حدیثی دیگر
میکنند حدیثی که هر که او را دوست دارد و او را بر حال که هر که او را
و از حدیثی دیگر که این مؤمن نیست و از حدیثی دیگر که این غدار است باید و در حدیثی دیگر
این حدیثی که این مؤمن نیست و از حدیثی دیگر که این غدار است باید و در حدیثی دیگر
این حدیثی که این مؤمن نیست و از حدیثی دیگر که این غدار است باید و در حدیثی دیگر

بنظر اوستیم بهشت دروغ بودن الحقت از طرف مخالف هم متواتر است و فرموده می شود در هر سال
صالحی کوشش را با اختیار علی حکیم گذارم و صحبت هم را با او سر گذارم تا داخل شده پس در آن گونه
هرگز در حقیت او در حق بنده و زانکه نگذاشتن او در هر پیشش نداشتن و توان و بر سر اندام
است از آن فرموده اگر و علی حکیم هر چه می خواهم در حقیت من چنان مکتوب کنم و آن در حال ایشان
گفته هر که مصلحت شود و بر و برایت حضرت با قرع فرموده علی حقیت خود بر دل هر که قرار گرفت
هر که قدم او بر هر اهل بدعت از آن بدعت دیگر ثابت می ماند خدا او را بسبب حق خود داخل
بهشت گرداند و هم الحقت ذکر فرموده حضرت با قرع در حقیت من از اهل آن گونه مکتوب
خدا را که او را در حق من می فرماید که از آن بخواند که در حقیت من هر که از او هر که از حقیت من
ذکر و شعیب را فرموده ایس که با آن خدا هم جمع نموده و الحقت بر بهشت نیز در آن
میراث می نماند صلوات الله علیه فرموده و شعیبانش بر سرش را با قرع بر می دهند و
و عجیبش فرزندانش پیش و در دستش از دست و جیب و حضرت با قرع مجاب بر اظهار
و عاقله از خود بخواند که شعیبانش و همچنان خود از حضرت الحقت بر باید چنانکه می فرماید
دانه خود را از خدا عاقله و در دستش با آن خدا را نشانی دست هر که از دستش
از او دیدند که فرقه بر بهشت بر نه و ایشان را در این خصوص بسیار است و تقریر ایشان را
در صحت بر حال این که این را اعلیٰ شعیبانش را است که خدا اول او را برایش حرام

فرمان کردند و او را بر پشت ابدالاکام نهادند و منزل نیکو گرفتارست فرمایند و بپایان برداشت
و در صبح حضرت عیسی صلی الله علیه و آله و سلم میفرمایند و حسن حبیبی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید از زیارت تو
فرمود که بیا بر زیارت من بعد از وقت من بیا از وقت بخت در زیارت پدر و برادر
و خود من همچنان فرمود و پس از آنکه امیر المؤمنین علیه السلام با معرفت بحق زیارت کند حق
تعالی برای هر سال هر چه خواهد خواست مقبول گردد و اگر او میباید بخدا سوگند کند که آتش نهد
قدوس را که کرده آلوده شود در زیارت او بیاد سوگند بنویسند و برادر بخدا را که
ظلال او را پیش اینست و مستقیم آن است و از هر چه در حق او است مخلوق را
یا از سید الشهدا و پس بخدا زیارت مشهوره یا غایره یا بصیبت از دور و نزدیک
و یا بر سر عظیمه از دشت و از آنجمله هزار هزار حج و هزار هزار عمره و ثواب بصیبت هر
پس بر صدیق شهید از اول دنیا تا آخره ثواب هر پیغمبر و رسول هر که زیارت مقصود
از او یا از هر که یا قبایست هزار هزار حسن و محبت و دفع درد و از جمله شهیدان و از
و از هر که از هر که یا صیبت در هر چه این است که او را نشانند مگر از ایشان و در
عزیز حضرت امام محمد باقر علیه السلام و هزار حج و هزار عمره و هزار هزار جهاد یا امام حق
برای بعد که آن حضرت صاحب نه این ثواب را بر او و همچنین حضرت عیسی صلی الله علیه و آله و سلم
شده در صبح معصومان و فرموده همین فاما من دایم از پدرم از پدرش و او از پدرش

من اراد ان

من برادران مؤمنه ببال حلال با هم دوستی و در آن مسجد جسته و استغفار کنندگان در
محرابانند و عقوبت اهل ایمان را بر سبیل ایشان بر میگردد و در صحیح حضرت باقر علیه
السلام اینها را بخواند و فی سوره اوردن بسیار در بدنه غا و نور و در حدیث حضرت صادق علیه السلام
برگردد و در آن است و بمقتضای بار بگوید که استغفار آنرا و ثواب الهیه و تکیه بر آن موافقت نماید خدا را و
استغفار آنرا و سحر و شوم و حضرت از جانب آنکه او را واجب شود و فرمود از شیعه نیست
که نماز نیت کند و فرمود و گفت در بر تو اسقن مثیلا که به تحقیق مقبول است هر دم
نمود از نماز و فرمود که هر روز بنشین و بخیزد و خواب و اورا بر است و صبح بیل بیدار و
و در قفس سینه مرصع بپوش حق تعالی امر میفرماید در بار آنکه آنرا نیت و بایک کوهی نظر
نماید بر اینند و از آنجا که نمیشود در سبب آنکه در آنجا بماند و از اینها و فرمود که
و از این امید که از دست چندان آید که آنرا نشنود که آن و با تخیل و توبه و وسعت و در شمار کوا
و از آنکه آنرا در است کردم و فرمود زشتان بهار مؤمنان شبها بطول قیام و در ذکر و
سید و در صحیح منقول میفرماید و عرض شد پس به این عمران در دعوت کرد که همان کوا
که مراد و مستعبد را پس در وقت شب با او فرو گرفت خواب و عاقل باشد از این آیه و
است امر صبیحی در وقت میلاد خلوت نمودن و با صبح بخورد اگر از این بر سر آن است
من گفتم و مطلع ام بر وستان هر دم چون خلوت نمود با حکم فتند باطن شود و در آنجا

مکتبہ اسلامیہ

[illegible]

برای نشان دادن

[illegible]

ملفوظ

[illegible][illegible][illegible]

سید احمد رضا

[illegible]



Handwritten text in Arabic script, likely a library or collection number, visible on the right edge of the book cover.